

## مقدمه مترجم

ضرورت شناخت رویکردهای مختلف در آموزش زبان بر همه دانشگاهیان و محققان آشکار است. ارتقای برنامه و محتوای دروس در چهارچوب بازبینی سرفصل دروس رشته‌های مختلف از جمله رشته‌های آموزش زبانهای خارجی از برنامه‌های بسیار مفید دانشگاهها به‌شمار می‌رود که خوشبختانه با اهداف سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت» همگام است.

در این راستا در دهه اخیر در کشورمان نیز، جایگاه نظریات و رویکردهای علمی و تحول آنها در آموزش زبان بیش از پیش بر همه محققان، مدرسین و دانشجویان روشن گشته است.

در خصوص انتخاب کتاب حاضر، از آنجا که امروزه تنها یک رویکرد واحد در آموزش زبان و در امر یاددهی/ یادگیری وجود ندارد، و نیز با توجه به اینکه غالب روشهای آموزش خود را متأثر از رویکرد ارتباطی می‌دانند، این منبع که با دیدگاه بی‌طرفانه نسبت به پیدایش، تحول و گذار از رویکرد ارتباطی از دقت نظر کافی برخوردار بوده، مفیدترین کتاب در نوع خود برای دانشجویان تشخیص داده شده است.

لازم است ذکر شود که مؤلف در مواردی از زبان اول و زبان دوم سخن به میان آورده است که مترجم با توجه به شناخت عقاید مؤلف و نظر به اینکه معانی و تفاسیر متفاوتی از زبان دوم می‌شود، از واژه زبان خارجی استفاده نموده است.

مؤلف کتاب که یک محقق کانادایی است، نسبت به چهار نظر غالب در آموزش زبان از قبیل: روش شنیداری- شفاهی (امریکایی)، روش یکپارچه سمعی و بصری (فرانسوی)، روش موقعیتی (بریتانیایی) و رویکرد ارتباطی (امریکایی)،

به صورت منصفانه و بی طرف به تحلیل و قضاوت در مورد آنها پرداخته، ضمن اینکه هدف اصلی اش بررسی مسائل رویکرد ارتباطی (با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف) آن بوده است. در عین حال تأکید فراوانی بر این نکته دارد که «تنها یک رویکرد ارتباطی وجود ندارد، بلکه تفاسیر و برداشتهای مختلفی از رویکرد ارتباطی به عمل آمده است».

مترجم کتاب حاضر نیز پس از گذراندن مقاطع و مدارج تخصصی علم آموزش زبان از مقطع لیسانس تا دکترای علوم زبان و پس از ۱۲ سال تدریس دروس روش شناسی، نظریات آموزش، اصول و روش تدریس زبانهای خارجی در دانشگاه تربیت مدرس و در چهارچوب بازبینی سرفصل دروس آموزش زبان در مقطع کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فرانسوی و نیز در راستای گسترش و تعمیم اصول علمی روش شناسی آموزش زبان و تدریس آن در ۳ دوره متوالی و به دنبال استقبال دانشجویان، به جهت تفهیم دقیق مفاهیم این کتاب و پس از تأیید محتوایی سازمان سمت، به ترجمه آن اقدام نموده است. قابل ذکر است که تمام محتوای کتاب برای همه دانشجویان رشته های آموزش زبانهای خارجی در مقطع فوق لیسانس و دکتری و مدرسین و محققان کاملاً قابل استفاده است.

روح الله رحمتیان

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

## پیشگفتار

بررسی رویکرد ارتباطی اقدامی است که تلاش فراوانی می‌طلبد. در واقع، برداشت واحدی از این رویکرد وجود ندارد و ظاهراً صاحب‌نظران در مورد آنچه در این رویکرد موجود نیست بیشتر با هم تفاهم دارند تا در مورد آنچه هست: رویکردی که هدفش برقراری ارتباط به زبان دوم یا زبان خارجی به نحو احسن بین زبان‌آموزان است.

با توجه به تعدد تفسیرهایی که از رویکرد ارتباطی می‌شود، در بخش اول به منظور درک بهتر اهمیت و ارزش این رویکرد، آن را در بافت اجتماعی-تاریخی‌اش بررسی می‌کنیم. کتاب حاضر چگونگی پیدایش این رویکرد را در امریکا، بریتانیا و فرانسه بازگو می‌کند و شرایط یک *سطح آستانه* را در چهارچوب برنامه‌ریزی شورای اروپا پایه‌ریزی می‌نماید. با این بررسی اجمالی به‌ویژه مشخص می‌شود که از این پس به زبان صرفاً به عنوان یک دانش نگریسته نمی‌شود، بلکه آن را نوعی مهارت در موقعیتهای ارتباطی تلقی می‌کنند.

در بخش دوم، به ترتیب محتوا (مفهوم زبان و ارتباط، انتخاب و چینش محتوا)، مفهوم یادگیری و مفهوم آموزش و همچنین مفاهیم نهفته در آموزش با دورنمای ارتباطی را بررسی خواهیم نمود.

در پایان نیز، مشخص می‌شود که دورنمای ارتباطی در یک بافت جامعه‌شناختی زبان مبتنی بر یک محتوای ویژه آموزش [زبان] شکل گرفته است، و این مهم به زعم تلاشهای صاحب‌نظرانی مانند کانال و سوین<sup>۱</sup>، ویدوسون<sup>۲</sup>،

---

1. Canale & Swain  
2. Widdowson

هالیدی<sup>۱</sup>، هایمز<sup>۲</sup> و مواران<sup>۳</sup> به خود جامه عمل پوشانده است. اما از پیدایش تا تحول یک روش‌شناسی ارتباطی واقعی سالها کار و تلاش سپری شده است؛ به بیانی دیگر، «روش» آموزش دادن الزاماً پیرو «موضوع»ی که آموزش داده می‌شود، نبوده است. همچنین لازم است بدانیم که رویکرد ارتباطی تقریباً تا چه حد توانسته است از روان‌شناسی نوظهور بهره‌بردارد: به هر حال شناخت‌گرایی یک «منبع» یا یک توجیه پس از تجربه است. با بیان محدودیتهای روان‌شناختی، راه‌حلی پیشنهاد می‌شود: مانند رجوع به روان‌شناسی اجتماعی ژنتیکی که به‌رغم دورنمای تعاملی‌اش، هنوز هم به نظر نمی‌رسد از آن در حوزه فن آموزش زبان استفاده‌ای شده باشد.

در حال حاضر، درست زمانی که به نظر می‌رسد رویکرد ارتباطی می‌تواند تا حدودی، به یک اندازه داده‌های زبانی، داده‌های روان‌شناختی یا داده‌های صرفاً روش‌شناختی را با هم ادغام کند، گرایشهای دیگری در حال ظهورند. آخرین فصل کتاب حاضر به ارائه این گرایشها به عنوان راه‌حل نهایی می‌پردازد. این گرایشها عبارت‌اند از: (۱) دیدگاه مبتنی بر مفهوم «تکلیف‌محوری»، (۲) رویکرد مبتنی بر محتوا، (۳) رویکرد مبتنی بر «برنامه‌های درسی آموزشی چندبعدی» از قبیل آنچه استرن<sup>۴</sup> ارائه کرد و لوبلان<sup>۵</sup> آن را گسترش داد.

---

1. Halliday  
 2. Hymes  
 3. Moirand  
 4. Stern  
 5. LeBlanc